گزارشی از دانش‌آموزانی با دو کارنامه کنکور و چالش‌هایی که از سوی مراکز سنجش تحصیلی بی‌پاسخ مانده‌اند

تراز ناتراز کنکور؟

خانواده برخی از داوطلبان کنکور سال ۱۴۰۲ مدعی هستند کارنامه فرزندانشان دستکاری شده است

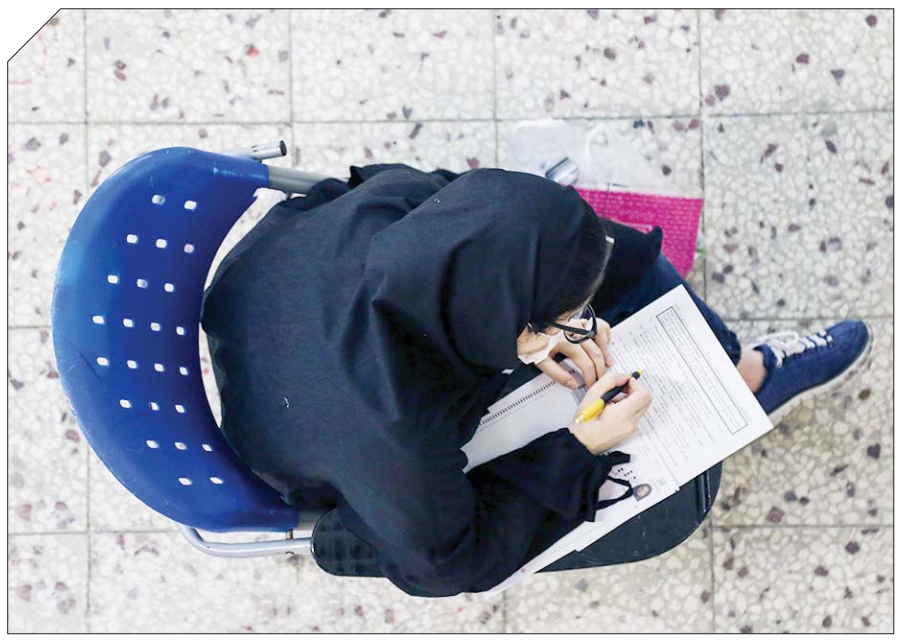

شهرزاد همتی: از همان ابتدای سال که دخترها و پسرهای ۱۷ساله آماده کنکور بودند، خانواده‌هایشان به همه چیز مطمئن بودند. سارا که از دو ماه پیش از کنکور لباس دانشگاهش را هم خریده بود و روپوش سفید پزشکی را هم داخل کمدش آویزان کرده بود. مهیا و پوریا و حسنی هم همین‌طور بودند. بچه‌های نخبه از هر گوشه ایران که به گفته مشاوران تحصیلی و مدارسی که درس می‌خواندند قرار بود دروکننده‌های رتبه‌های زیر ۵۰۰ باشند و صندلی‌های رشته پزشکی را تصاحب کنند. بعد از آزمون هم همه چیز بر وفق مراد بود. درصدهای برآوردشده با همه برنامه‌ریزی‌ها برابری می‌کرد. دخترها و پسرها که همه از خانواده‌های معمولی بودند اما در مدارس درجه‌یک کشور همچون استعدادهای درخشان تحصیل می‌کردند، از ذوق مهر پرشوری که قرار بود بیاید شب و روز نداشتند. جواب آزمون سراسری و درصدها عالی بود. اما تراز، ترازی نبود که با درصدها همخوانی داشته باشد. درصدها بسیار بالاتر از تراز بود. برای همین ۲۰ خانواده‌ای که بعدها دور هم جمع شده‌اند بلافاصله بعد از دیدن تراز اعتراض خود را به صورت سیستمی ثبت می‌کنند و بعد از ثبت اعتراض کارنامه از دسترس خارج می‌شود. یعنی کارنامه بود، تراز هم همان بود، اما درصدها به طرز باورنکردنی افت کرده بود. مثلا فیزیک ۷۰ درصدی حسنی شده بود منفی یک درصد یا شیمی ۹۰ درصد سارا جایش را به ۲۰ درصد داده بود اما خبری از تغییر تراز نبود! زندگی خانواده و بچه‌ها رنگ و رویش عوض شد. آنها در این مدت به همه جا سر زده‌اند؛ از وزارت علوم و سازمان سنجش و دیوان عدالت اداری. شکایت آنها در دیوان عدالت اداری در حال پیگیری است، اما حتی اگر جواب کارنامه تغییر کند، چیزی مثل قبل برای آنها نخواهد شد. بچه‌های نخبه‌ای که روزی نامشان زینت‌بخش شهرهایشان بود، در کمتر از یک هفته تبدیل به دروغگو، جاعل و کلاهبردار شدند و تهدیدشان کردند که به جرم دروغگویی و جعل مدارک از آنها شکایت می‌کنند. حالا دیگر هیچ‌کدامشان به فکر مهر نیست. سارا روپوش پزشکی‌اش را پاره کرده، حسنی شب‌ها با آرامبخش می‌خوابد و پوریا برای کمتر فکرکردن در مغازه‌ای مشغول به کار شده. این روایت، روایت چند نفر از خانواده‌هایی است که مدعی هستند ۲۴ ساعت پس از انتشار کارنامه‌های آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ کارنامه فرزندانشان تغییر کرده است، اما به تراز دست نزده‌اند. یعنی تراز کارنامه‌ای که رتبه ۲۰۰ داشت، با تراز کارنامه‌ای که حالا رتبه هشت هزار دارد یکی است. به علت امنیت خاطر خانواده و دانش‌آموزان نام این دانش‌آموزان محفوظ است و ما تنها روایت آنها را منتشر می‌کنیم. با ذکر این توضیح که کارنامه آنها نزد خبرنگار «شرق» محفوظ است.

روایت سارا؛ این حق ما نبود

مادر سارا عصبانی است و بغضش را قورت می‌دهد. روایت او مثل روایت مادر حسنی و پویاست. آنها به خاطر عدم تطابق میان درصد و تراز اعتراض می‌زنند و بعد همه چیز عوض می‌شود. او به «شرق» می‌گوید: «ما رأس ساعت شش صبح روز ۲۱ مرداد از سایت رسمی سنجش از لپ‌تاپ شخصی از کارنامه دخترم پرینت گرفتیم. درصدها عالی بود اما تراز متناسب با درصدها نبود. برای همین اعتراض زدیم و در سایت سازمان سنجش ثبت کردیم. بعد از ساعت ۱۰ صبح دیدیم که درصدهای دختر من نصف شده». او در ادامه می‌گوید: «معدل دختر من ۱۹ و نیم بوده اما تأثیر معدلش در تراز تحصیلی کمتر از معدل ۱۸ بوده است. من روز ۲۲ مرداد رفتم سازمان سنجش و آنجا با مسئول وب سازمان صحبت کردم. آنها ما را متهم به جعل و کلاهبرداری و استفاده از فتوشاپ کردند. گفتند خیلی حرفه‌ای کار کردید و بعد از اینکه من اعتراض کردم و گفتم باید این ادعا توسط پلیس بررسی شود و پلیس فتا پی‌دی‌اف ما را راستی‌آزمایی کند، حرفشان عوض شد. آنها گفتند که دخترتان کنکورش را خراب کرده و برگه را سفید داده. از دخترم سؤال‌هایی شبیه بازجویی کردند و دخترم پاسخ داد و به من گفتند دخترتان اصلا پاسخ درس زمین‌شناسی را سفید داده اما دختر من با قاطعیت گفت من حداقل ۴۵ درصد زمین‌شناسی زدم و با احتساب تراز سراغ ریاضی رفتم تا وقت کم نیاورم. ما باز هم در کمال احترام گفتیم شما درست می‌گویید اصل برگه پاسخ دخترم را به ما بدهید تا در حضور کارشناس خط راستی‌آزمایی شود. آنها به‌شدت عصبانی شدند و گفتند هیچ‌کس به پاسخ‌نامه دسترسی ندارد و شما با وزارت اطلاعات طرف می‌شوید و ما را ترساندند. ما گفتیم هیچ واهمه‌ای نداریم و کار سیاسی هم انجام ندادیم که بترسیم و اتفاقا درخواست ورود اطلاعات برای رسیدن به حقمان را داریم. در این مرحله به من گفتند شما قصد تهیه خبر برای رسانه‌های معاند مثل بی‌بی‌سی را دارید و جلسه را تمام کردند و حتی حاضر به پاراف اعتراض من نبودند و در آخر با اصرار من نامه را پاراف کردند و من نامه را دبیرخانه ثبت کردم». مادر سارا در ادامه می‌گوید: «به صورت اتفاقی متوجه شدیم که این پیامک ثبت اعتراض ما باید به روابط‌عمومی سنجش ارسال می‌شد که این کار هم انجام نشده بود. آقایی که در دبیرخانه بود شماره ثبت من را جست‌وجو کرد و متوجه شد اصلا این نامه به روابط‌عمومی منتقل نشده است. بعد از آن زحمت کشیدند به صورت سیستمی نامه من را به کرج که پاسخ‌نامه‌ها آنجا نگهداری می‌شود منتقل کردند اما کسی به ما پاسخی نداد».

این پایان تلاش مادر سارا نبود. او سراغ نماینده شهرشان می‌رود و با او صحبت می‌کند. او در ادامه می‌گوید: «من با نماینده شهرمان صحبت کردم و نامه نوشتم و ایشان نامه ما را در صحن قرائت کردند، آن‌هم در جلسه اضطراری درباره کنکور که آقای پورعباس هم در جلسه حضور داشتند. نماینده شهر ما گوشی تلفنش را به آقای پورعباس دادند و ایشان به من گفتند خانم محترم دختر شما چون از طرف شما تحت فشار بوده رفته کافی‌نت پول داده و از یک سایت جعلی کارنامه خریده! من در کمال تعجب گفتم شما از خانواده ما اطلاعاتی دارید که با اطمینان می‌گویید که ما به سارا فشار آوردیم؟ یا شما می‌دانید دختر من پولی برای خرید کارنامه در اختیار داشته؟ من می‌خواهم پلیس فتا به این پرونده وارد شود و ایشان گفتند به سازمان بیایید شما را می‌بینیم. برخلاف گفته ایشان دیدار ما با آقای پورعباس میسر نشد. نماینده ایشان یک پاسخ‌نامه گذاشت جلوی دختر من و گفت صحت پاسخ‌نامه را تأیید می‌کنید؟ دختر من قبول نکرد و گفت روی هر برگ پاسخ‌نامه ما اثر انگشت و امضا داشتیم در صورتی که شما کپی دادید که امضا و اثر انگشت من رویش نیست. من عصبانی شدم و گفتم اعاده حیثیت می‌کنم و گفتند بروید شکایت کنید. در وزارت علوم هم که شکایت بردیم همین را گفتند. حالا ما حدود ۲۰ نفر هستیم که نامه خود را به مراجع بالاتر و دیوان عدالت اداری برده‌ایم و هنوز جوابی نگرفته‌ایم».

مادر سارا در آخر اضافه می‌کند: «من به تنهایی دخترم را بزرگ کردم. دختر من سال ۱۴۰۰ پدرش را به دلیل کرونا از دست داد که این یک آوار در زندگی ما بود. او یک سال از دیدن مزار پدرش خودش را محروم کرد. میهمان در مدرسه فرزانگان تهران شده بود و در آزمون قلمچی جزء ۱۰ نفر برتر تهران شده بود. او روزی ۱۴ ساعت درس می‌خواند. هدفش برایش مهم بود و به دلیل دولاشدن زیاد روی کتاب پنج سانت از قدش کم شد. اما خوشحالی ما یک ساعت بیشتر دوام نیاورد. بعد از این‌همه کارنامه و صندلی دختر من به کسی فروخته می‌شود که حتی لیاقتش را ندارد... این خیانت در امانت بود. هیچ‌کس پاسخ ما را نمی‌دهد...».

روایت دوم حسنی؛ بچه من با سرطان درس خواند

روایت مادر حسنی هم مثل ساراست. او به «شرق» می‌گوید: «دختر من تیرماه کنکور داد. روز ۲۲ مرداد کارنامه دخترم را از سایت رسمی سازمان سنجش گرفتیم، همه نمره‌های او بالا بود ولی ترازش هفت‌هزارو ۵۹۰ بود که با نمرات همخوانی نداشت. ما به صورت سیستمی اعتراض زدیم. صبح آن روز که حضوری به سازمان سنجش رفتیم، به ما گفتند شما کارنامه جعلی و فتوشاپ درست کردید و یک کارنامه جدید به ما با درصدهای جدید دادند که منفی بودند اما ترازش همان هفت‌هزارو ۵۹۰ بود. من عصبانی شدم و گفتم شما به ما کارنامه اصلی می‌دهید با تراز هفت‌هزارو ۵۹۰ بعد ما هم که جاعلیم تراز کارنامه‌مان هفت‌هزارو ۵۹۰ است، پس شما با ما همدست هستید. چطور امکان دارد ما که جاعلیم بدانیم چه ترازی مدنظر شماست که در کارنامه‌مان همان تراز را بگذاریم؟ حداقل ترازی می‌گذاشتیم که با درصدها بخواند. آنها به ما کپی پاسخ‌نامه بدون امضا و اثر انگشت دخترم را نشان دادند و وقتی اعتراض ما را دیدند و ما گفتیم مشخصات دخترمان روی این برگه‌ها نیست، گفتند دخترتان استرس داشته و برگه پاسخ‌نامه را مهر و امضا نکرده...». مادر حسنی می‌گوید: «شکایت ما و دیگر خانواده‌ها در دیوان عدالت اداری و نهاد ریاست‌جمهوری ثبت شده و هنوز جوابی نگرفته‌ایم. وزارت علوم هم ما را جاعل خطاب می‌کند. دختر من دانش‌آموز نخبه بود... دختر من سرطان داشت و درس خواند، خواهش می‌کنم به ما کمک کنید...».

روایت پوریا؛ از اینجا می‌روم

پوریا عصبانی است. خیلی عصبانی. با معدل ۱۹.۴۳ و رتبه برتر در همه آزمون‌های سنجش و درصدهای بالای ۷۰ در همه درس‌هایش با تراز هفت‌هزارو ۸۰۰ روبه‌رو می‌شود و اعتراض می‌زند. او می‌گوید: «تراز را که دیدم پاهایم شل شد. اعتراض زدیم بعد درصدها را آوردند پایین که باز هم با تراز همخوانی ندارد. با پدرم به سازمان سنجش رفتیم و به پدرم گفتند پسرت جعل و کلاهبرداری کرده. پدرم در خیابان سیلی محکمی به گوشم زد. تا اینکه از طریق مدرسه خبردار شدیم که چنین اتفاقی برای بقیه هم افتاده...». پوریا در ادامه می‌گوید: «سیلی و بی‌اعتمادی پدرم بدتر بود. خیلی شرمنده است؛ اما برای من چیزی مهم نیست. من به‌زودی زمینی از ایران می‌روم. صندلی پزشکی هم باشد مال آن بچه‌ای که پدرش این‌قدر در او می‌دید که میلیاردی برایش صندلی من را بخرد؛ اما پدر من باورم نکرد...».

این ادعا را رد می‌کنیم!

دکتر کریمیان، مشاور رئیس سازمان و مدیرکل روابط‌عمومی سازمان سنجش آموزش کشور، به سؤالات «شرق» درباره ادعاهای خانواده این دانش‌آموزان پاسخ داد. کریمیان با بیان اینکه به طور معمول در همه آزمون‌ها تعدادی از داوطلبان به نتایج کسب‌شده در آزمون اعتراض می‌کنند، به «شرق» گفت: «در اطلاعیه‌های سازمان سنجش آموزش کشور هم در زمان اعلام نتایج آدرس الکترونیکی سیستم پاسخ‌گویی (www.request.sanjesh.org) و شماره تلفن مشخص برای پاسخ‌گویی اعلام می‌شود. درعین‌حال تعدادی از داوطلبان نیز به صورت حضوری مراجعه و درخواست خود را در ستاد ارتباطات مردمی سازمان ارائه می‌دهند که همه این درخواست‌ها به صورت دقیق بررسی می‌شود و به صورت مشخص به همه درخواست‌های دریافتی از داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ نیز در برنامه زمان‌بندی پاسخ داده شده است».

او با اشاره به شکایت مطروحه درباره تغییر کارنامه گفت: «در بین مراجعه‌کنندگان چند داوطلب مدعی تفاوت و تغییر کارنامه دریافتی بودند که دلایل جعلی و غیرواقعی‌بودن (دستکاری تصویر کارنامه با نرم‌افزار فتوشاپ) برای آنان توضیح داده شد؛ ضمن اینکه ملاک اصلی قضاوت در این زمینه «پاسخ‌نامه» هر داوطلب در آزمون سراسری است که تطبیق تصویر داوطلب در جلسه آزمون از طرف کارشناس مربوطه انجام می‌شود و قسمت پایین تمام صفحات پاسخ‌نامه از طریق داوطلب تکمیل و به امضا می‌رسد و اثر انگشت نیز در ذیل پاسخ‌نامه درج شده است». کریمیان با رد این ادعا خاطرنشان کرد: «درباره آزمون سراسری برای همه کسانی که درخواست رؤیت پاسخ‌نامه و کلید سؤالات را داشته‌اند نیز اقدام لازم صورت گرفته است؛ بنابراین ضمن رد ادعای تغییر در کارنامه آزمون اختصاصی برخی داوطلبان، به همه افراد پاسخ مقتضی داده شده است. همه درخواست‌های داوطلبان ابتدا در دبیرخانه سازمان سنجش آموزش کشور ثبت و کد رهگیری ارائه می‌شود؛ بنابراین چنانچه درخواست بدون پاسخی وجود دارد، کد رهگیری درخواست قابل ارائه است تا پیگیری لازم صورت گیرد. در پایان تأکید می‌شود درخواست بررسی مجدد نتایج آزمون از حقوق داوطلبان است و سازمان سنجش آموزش کشور نیز وظیفه دارد به همه درخواست‌ها در چارچوب مقررات رسیدگی کند و پاسخ لازم را ارائه دهد».

دانش‌آموز من کلاهبردار نبود

یک مشاور آموزشی که مشاور یکی از این دانش‌آموزان است، به «شرق» می‌گوید: «صبح بود که دانش‌آموزم کارنامه‌اش را برایم فرستاد و گفت می‌خواهد برای درصدهایش اعتراض بزند. بعد از چند ساعت مادرش آشفته تماس گرفت و ما متوجه شدیم دو کارنامه وجود دارد. این دانش‌آموز همیشه در کنکورهای قلمچی جزء نفرات برتر بود. روزی ۱۴ ساعت درس می‌خواند و خودش به صورت ذهنی محاسبه درصدهایش را انجام می‌داد. دانش‌آموزی است منضبط با سرعت عملی بسیار بالا. من در او جعل و کلاهبرداری نمی‌بینم و بسیار برایم غم‌انگیز است که به او انگ دروغگویی زدند. درصدهای کنکور دی‌ماه او هم موجود است و مشخص می‌کند که او اهل دروغ نیست. صحت عمل این دانش‌آموزان را می‌شود از طریق معلمان و مدرسه آنها هم تأیید کرد».

گزارش از تخلفات بالاست

اما هامون سبطی، دبیر کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت و کنشگر آموزشی، در گفت‌وگو با «شرق» با بی‌سابقه خواندن این اتفاق تصریح کرد: «به قدری تعداد گزارش‌ها که نشانه بروز مشکل یا تخلف احتمالی در نمرات و اعلام آن در سابقه تحصیلی و نوع ترازگیری به‌ویژه نمراتی که از ترمیم سابقه حاصل شده، زیاد است که سابقه ندارد و همچنین نبود شفافیت در تراز حاصل از درصدهای کنکور در دی‌ماه و تیرماه که وظیفه سازمان سنجش بود تا اینها را از هم تفکیک کند و اعلام‌شان کند، تعجب‌برانگیز است. سازمان سنجش هم از تفکیک خودداری کرده و هم از پاسخ‌گویی! حتما جا دارد نهادهای ناظر و مجلس شورای اسلامی سریعا وارد عمل شده و با تحقیق و تفحص به داوطلبان پاسخ مستند دهند». او در ادامه گفت: «سازمان سنجش اعتبار خودش را با ۵۰ سال کار علمی و شرافتمندانه حاصل کرده؛ ولی این آبرو می‌تواند یکباره از دست برود. ما هم گزارش‌هایی توجیه‌ناپذیر از سوی شرکت‌کنندگان داریم و نیاز است که نهادی خارج از قوه مجریه به این شبهات وارد شده و پاسخ بدهد». سبطی با بیان اینکه بیشتر اعتراض داوطلبان به سمت مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش است، گفت: «این موضوع شخصی نیست. ما در کمال تأسف می‌بینیم که اول مهر شده و تازه پیامک به دانش‌آموز زده‌اند که تراز و رتبه شما تغییر کرده است. هر فرد آگاهی می‌داند تراز که یک نمره نسبی است و تغییر تراز یک نفر می‌تواند تراز همه را تغییر دهد. به بیان دیگر تغییر تراز هر یک نفر می‌تواند تغییر کل ترازهای جامعه آزمودنی را ایجاد کند و کل رتبه‌ها و ترازها را شبهه‌ناک کند. احتمالا اینجا حق زیادی پایمال شده. اگر لازم است بار دیگر رتبه‌ها و ترازها بررسی شوند و یک بار به شکل شفاف نتیجه مشخص شود. این همه مورد به مورد و به شکل شخصی پیامک‌دادن درست نیست. رتبه و تراز همگی عوض شده و این اشتباه بزرگی است که به دلیل نشنیدن سخنان کارشناسان سابق سازمان سنجش اتفاق افتاد. سازمان سنجش ترجیح داد به جای گوش‌دادن به نصیحت کارشناسان زبده، مصوبه اجرانشدنی شورای عالی انقلاب فرهنگی را اجرا کند. این اشتباه کتمان‌کردنی هم نیست و برای حفظ عدالت و سرمایه ملی که ناشی از اعتماد مردم است، باید جسارت پذیرش اشتباه وجود داشته باشد». سبطی خاطرنشان کرد: «در روز چهارم مهر هنوز معلوم نیست وضعیت قبولی‌ها چگونه است. مشکل اینجاست که گویا شیوه ترازدهی تغییر و به شیوه خطی عقب‌گرد کرده که در آن نمودار توزیع نرمال لحاظ نشده است. سازمان سنجش هم اعلام نمی‌کند که تراز درصدها و نمرات را با کدام فرمول علمی و آماری به دست آورده است. این حق مردم است که بدانند آیا شیوه ترازدهی امسال، تغییر کرده یا نه. اگر تغییر کرده چرا؟ دوم اینکه شیوه ترازبندی نمرات در آموزش و پرورش با ترازبندی سنجش متفاوت بوده است یا نه و چرا چند بار ترازها بین مرکز سنجش و سازمان سنجش ردوبدل شده است». او افزود: «موضوع بعدی این است که اولین بار بود که وزارت آموزش و پرورش اقدام به ترازکردن نمرات کرد و دراین‌میان حق زیادی پایمال شده؛ مثلا نمره ۲۰ یک آزمون تراز متفاوتی دارد! چون فرد سال تولدش متفاوت بوده یا به دلیل اینکه شماره ملی‌اش درست وارد نشده، به فردی تراز منفی دادند که من ارتباط ریاضی این دو پدیده را درک نمی‌کنم. یا نمره ۲۰ یک داوطلب در سال ۱۴۰۰ تراز پایین‌تری نسبت به یک داوطلب در سال ۱۴۰۲ گرفته؛ درحالی‌که دانش‌آموز نمی‌تواند نمره بالاتری از ۲۰ بگیرد. همه اینا باعث شده این نتایج نامعتبر باشد و به نظر من اصلا هم قابل اصلاح نیست. تنها راه اصلاح این وضعیت و برگرداندن اعتماد عمومی، بازبینی نتایج کنکور امسال، با تأثیر مثبت معدل است که مجلس هم آن را برای سال‌های بعد به تصویب رساند. کاش کمی منصفانه عمل کنیم».

روزنامه «شرق» آماده شنیدن پاسخ مسئولان ذی‌ربط است. همچنین دانش‌آموزانی که شرایط مشابهی داشته‌اند، می‌توانند در تماس با «شرق» اطلاعات خود را برای بررسی به گروه اجتماعی روزنامه منتقل کنند.

وزرای «بهداشت و درمان» و «کشور» لطفا بخوانند

محمدرضا نسب عبداللهی: این یادداشت کوتاه را به آن امید می‌نویسم که وزیران «بهداشت و درمان» و «کشور» بدانند بر سر مدیری که حدود سه سال برای ارتقای وضعیت بهداشت و درمان یک شهرستان کوچک در شمال کویر استان کرمان زحمت کشیده، چه آمده است.

آقای وزیر کشور! امیدوارم خاطرتان باشد ششم شهریور امسال در سفری که به شهرستان انار در شمال استان کرمان داشتید و پروژه ساختمان بیمارستان ۴۲ تختخوابی انار را افتتاح کردید، هنگام سخنرانی‌تان از «دکتر ساناز عبداللهی، مدیر وقت شبکه بهداشت و درمان شهرستان انار» که در همان سالن سخنرانی مورد تشویق مردم قرار گرفته بود، به نیکی نام برده و گفتید: «خیلی خوشحالم که سرکار خانم عبداللهی مورد تشویق عمومی قرار گرفتند، این نشان می‌دهد مردم کسانی را که به آنها خدمت می‌کنند، هم می‌شناسند و هم دوست دارند».

درست ۱۶ روز بعد از آن تشویق و سخنان جنابعالی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در اقدامی شگفت‌آور دکتر عبداللهی را که صادقانه خدمت کرد، از کار برکنار و همه را بهت‌زده کرد. دکتر عبداللهی دقیقا در اوج کرونا یعنی در سال ۱۳۹۹ پذیرفت که مدیریت شبکه بهداشت و درمان انار را بر عهده بگیرد، دوران بسیار سختی که هر کسی حاضر نبود چنین مسئولیتی را در شهرستانی کوچک بپذیرد. او در سه سال حضورش توانست پروژه ساخت بیمارستان ۴۲ تختخوابی انار را به سرانجام برساند و دقیقا حالا که زمان آغاز به کار بیمارستان جدید و ثمردهی زحماتش بود، از کار برکنار شد. او افزون بر این، در این سال‌ها موفق شده بود با پیگیری‌های مستمر، برای ارتقای وضعیت درمانی انار نزدیک به ۶۰ میلیارد تومان از خیرین کمک جذب کند. حالا و به دنبال برکناری برخورنده و نامتعارف او، شماری از خیرین کمک‌های خود را به پروژه‌های درمانی انار متوقف کرده یا تعهدات مالی خود را پس گرفته‌اند.

آقای وزیر بهداشت و درمان! چرا رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی رفسنجان باید چنین مدیر موفق و پرتلاشی را برکنار کند، آن هم به بدترین شکل ممکن؟ چرا مدیری که «برای خوشامد دیگران کار نمی‌کرد» و در «چارچوب اهداف وزارت بهداشت و درمان» فعالیت چشمگیری داشت، باید به بدترین شکل برکنار شود؟ شما از نحوه رفتار رئیس علوم‌پزشکی رفسنجان با این مدیر برکنارشده مطلع هستید؟ مگر هدف نهایی وزارت بهداشت و درمان این نیست که وضعیت درمانی و بهداشتی در سراسر ایران به نقطه مطلوبی برسد؟ پس چه شده مدیری را که در این چارچوب، فعالانه کار می‌کرد، حذف کردند؟ چرا رئیس علوم‌پزشکی رفسنجان باید مدیر شبکه بهداشت و درمان انار را که در محل خدمتش زندگی می‌کرد، برکنار کند و فردی را جایگزین او کند که ساکن شهرستان رفسنجان است و حاضر نیست در محل خدمتش یعنی انار زندگی کند؟

آقای وزیر بهداشت و درمان! آیا می‌دانید رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی رفسنجان، مدیر بومی بیمارستان انار را هم برکنار کرده و فردی را جایگزین رئیس پیشین کرده که او هم حاضر نیست در انار زندگی کند و ماهانه حدود ۱۴ میلیون تومان باید هزینه شود تا او را هر صبح از رفسنجان به انار بیاورند و ظهر هم به محل زندگی‌اش در رفسنجان برگردانند. روزهای پایانی هفته هم که ایشان اساسا در انار نیست. مگر بیمارستان نوپای انار مانند بیمارستان‌های بزرگ است که پر باشد از مدیران و پزشکان و غیبت رئیس بیمارستان اشکالی ایجاد نکند؟

این اتفاقات در حالی رخ داده که آیین‌نامه «آیین‌نامه لزوم اقامت مدیران در محل مأموریت خود» مصوب ۲۰ شهریور ۱۳۸۴ می‌گوید کلیه دستگاه‌ها باید در انتخاب و انتصاب رؤسا و مدیران واحدهای اجرائی در سطوح استان، شهر و شهرستان، از افراد واجد شرایط ساکن در محل خدمت استفاده کنند. رئیس علوم‌پزشکی رفسنجان چرا باید هم‌زمان با این اتفاقات، رئیس مرکز بهداشت شهرستان انار را هم برکنار کند فقط به این بهانه که همگام رئیس برکنارشده شبکه بهداشت و درمان انار بوده است؟

جناب آقای وزیر بهداشت و درمان! این حجم از رفتارها و تصمیم‌های عجیب رئیس علوم‌پزشکی رفسنجان در کجای اهداف وزارت بهداشت و درمان قرار می‌گیرد؟ این نوع تصمیمات می‌تواند روند رو به رشد وضعیت بهداشتی و درمانی انار را با چالش‌های جدی مواجه کند و دلسردی گسترده‌ای را هم در بین خیرین و نیکوکاران رقم بزند.

به دنبال این رخدادها از رئیس علوم‌پزشکی رفسنجان خواستم تا در این خصوص با روزنامه «شرق» گفت‌وگو کند، اما تماس و ارسال پیام جهت تعیین وقت مصاحبه با ایشان به نتیجه نرسید، بااین‌حال امیدوارم جنابعالی تیم بازرسی با تجربه‌ای به شهرستان انار اعزام کنید تا حقایق را به شما گزارش کنند.

بازتاب

۲ جوابیه از آموزش و پرورش درباره ۲ گزارش از حق تحصیل کودکان

آموزش و پرورش نسبت به دو گزارش روزنامه شرق با تیترهای «زخم ناسور بازماندگی از تحصیل» و «تحصیل رایگان در تنگنا» دو جوابیه مجزا ارسال کرده که به شرح زیر است:

جوابیه آموزش و پرورش برای گزارش زخم ناسور بازماندگی از تحصیل

عدالت آموزشی و توسعه آن در ابعاد کمی و کیفی یکی از مهم‌ترین محورهای کاری وزارت آموزش و پرورش از ابتدای دولت سیزدهم بوده است.

در همین راستا جذب کودکان بازمانده از تحصیل به‌عنوان یکی از سیاست‌ها و راهبردهای اصلی وزارت آموزش و پرورش، به منظور دسترسی به آموزش باکیفیت برای کلیه کودکان لازم‌التعلیم در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و اسناد بالادستی، تعریف گردید.

نخستین گام برای حل مسئله بازماندگی از تحصیل، شفاف‌شدن صورت‌مسئله است. به بیان دیگر فقدان آماری دقیق و جامع از دانش‌آموزان بازمانده و دلایل بازماندگی، عامل اصلی این ابهام است.

به استناد گزارشات متعدد دستگاه‌های ناظر ازجمله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اصلی‌ترین مشکل و چالش در این ارتباط، عدم وجود یک پایگاه اطلاعاتی آماری و داده‌های جامع و هوشمند در این خصوص بوده است.

سال ۱۴۰۱ این مهم برای اولین بار با طراحی و ایجاد سامانه شهید محمودوند (سامانه شناسایی چهره به چهره کودکان بازمانده از تحصیل) به نحو مطلوبی مرتفع شده است. این سامانه ذیل سیدا با اتصال به درگاه ثبت احوال از طریق مقایسه جمعیت لازم‌التعلیم با فهرست ثبت‌نام سیدا، افراد خارج از سیستم آموزشی را شناسایی کرد و با اختصاص فرد پیگیری‌کننده برای تک‌تک بازماندگان اقدام به جذب آغاز گردید و دلایل بازماندگی احصا شد.

در مهرماه سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ آمار دقیق کودکان بازمانده از تحصیل دوره ابتدایی ۲۰۴۳۱۲ نفر بود که با استفاده از سامانه شهید محمودوند ۴۳۸۳۳ نفر آنها شناسایی و جذب شدند و در حال حاضر این آمار به ۱۶۰۴۷۹ نفر رسیده است.

شناسایی، جذب و بازگشت تعدادی از کودکان بازمانده از تحصیل در کمتر از یک سال، دستاوردی بزرگ است. در ادامه همین اقدامات جهادی، از آمار ۱۶۰۴۷۹ نفری فعلی کودکان بازمانده از تحصیل، فرایند پالایش آنان آغاز گردیده که بررسی‌های اولیه نشان داد تعداد ۱۱۶۳۲ نفر جذب شدند که اسامی آنان در بخش تأیید و تطبیق سیدا است؛ یعنی در یک سال گذشته با راه‌اندازی این سامانه تعداد ۵۵۴۶۵ نفر کودک بازمانده از تحصیل دوره ابتدایی تعیین تکلیف شدند که بیش از ۲۷ درصد بازماندگان را شامل می‌شود. در حال حاضر سامانه شهید محمودوند نشان می‌دهد از میان ۹۰۷۳۱۵ نفر دانش‌آموز بازمانده از تحصیل سهم دوره ابتدایی ۱۶۰۴۷۹ نفر، دوره متوسطه اول ۱۹۵۳۷۱ نفر و دوره متوسطه دوم ۵۵۱۴۶۵ نفر است.

پس از شناسایی، مرحله جذب است. تلاش سال گذشته موجب جذب ۲۱.۵۶ درصد بازماندگان کودکان ابتدایی شد. آخرین مرحله انسداد مبادی بی‌سوادی نگهداشت کودکان جذب‌شده است که کمتر مورد توجه رسانه‌ها و عموم جامعه قرار می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های جریان دانش‌آموزی نرخ ماندگاری است که فاصله آن با پوشش تحصیلی بیانگر وظیفه خطیر نظام تعلیم و تربیت است.

معاونت آموزش ابتدایی جهت کاهش فاصله نرخ ماندگاری با پوشش تحصیلی (۹۳.۰۸ تا ۹۷.۹۶) و به تبع آن کاهش نرخ اتلاف، با اجرای طرح‌هایی که کیفیت آموزشی را هدف گرفته است و با ایجاد موقعیت‌های یادگیری خلاق، مشارکت فعال دانش‌آموزان را در یادگیری توسط همسالان برمی‌انگیزد و با بازی‌وارسازی مفاهیم، فرایند یاددهی-یادگیری را جذاب می‌کند.

این طرح‌ها عمدتا تحولی در رویکرد معلم نسبت به آموزش دوره ابتدایی ایجاد می‌کند که شامل خودآموز طراحی آموزشی معلم پایه اول ابتدایی با تولید بسته‌های زبان‌آموزی پایه اول، کاهش فاصله اهداف قصدشده برنامه‌های درسی با اهداف اجراشده در کلاس درس از طریق توانمندسازی معلمان با شبکه‌سازی و ایجاد جریان گفتمان آموزشی مستمر (طرح شهید همت) و توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی با تجهیز کتابخانه‌های کلاسی (طرح یار مهربان) است.

امید داریم با توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق و استفاده هدفمند از منابع، شاهد استقرار عدالت آموزشی در مناطق آموزشی سراسر کشور باشیم.

خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به درج جوابیه این مرکز در همان صفحه و با همان قلم اقدام لازم صورت گیرد.

جوابیه آموزش و پرورش برای گزارش تحصیل رایگان در تنگنا

در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ با عنوان «تحصیل رایگان در تنگنا»، پاسخ اداره کل ارزیابی عملکرد و پاسخ‌گویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

با عنایت به شعار سال در امر «ثبت‌نام مطلوب، عدالت‌محوری، خانواده‌مداری» ارسال دستورالعمل ثبت‌نام و تأکید بر ممنوعیت دریافت هرگونه وجه در فصل ثبت‌نام، طراحی برنامه نظارت بر ثبت‌نام (فرم الف ویژه مدارس) ارائه بازخورد و معرفی متخلفین به دفتر رسیدگی به تخلفات اداری و برقراری عدالت و برابری در پرداخت کمک‌های مردمی بین دانش‌آموزان ایرانی و اتباع (در فصل غیرثبت‌نام)، از اقدامات مؤثر و پیشگیرانه در مورد ترک تحصیل فرزندان این مرز و بوم می‌باشد.